

واکاوی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت مردمی به منظور کاهش ریسک سوانح طبیعی

(مطالعه موردی: استان تهران - شهرستان اسلامشهر)

حسین ظفری* / رضا ویسی**

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۰/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۰/۰۴/۱۵

چکیده

با توجه به اینکه «مدیریت ریسک و بحران سوانح طبیعی»، فرایندی حساس و ارگانیک است؛ میزان مشارکت مردم (در مراحل تصمیم‌گیری، اجرا و نیز نظارت و ارزیابی) می‌تواند به‌عنوان بازوی توانمند مسئولین ستادی، در مدیریت فرایند کاهش ریسک و تبعات بحران ناشی از سوانح طبیعی تأثیرگذار باشد. در همین راستا پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی، سعی بر آن دارد تا با شناخت رابطه عوامل و سازوکارهای مؤثر بر جلب مشارکت مردم در مراحل مختلف مدیریت سوانح طبیعی و به‌منظور کاهش خطر؛ راهکارهایی را به‌منظور جلب مشارکت و همکاری هدفمند مردم در این خصوص، ارائه دهد. پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و از سری تحقیقات همبستگی بوده و جامعه آماری آن را تعداد ۴۰۰ نفر از مردم شهر اسلامشهر از توابع استان تهران، تشکیل داده‌اند. نتایج به‌دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، رابطه آماری معناداری را میان متغیرهای مستقل مانند میزان همدلی اجتماعی، احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد، کنش عقلانی، سطح آگاهی و اطلاع فرد از وقوع حادثه و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با متغیر وابسته مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی نشان داده است. تحلیل رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر انجام گرفته حاکی از آن است که مجموعه متغیرهای میزان همدلی اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، کنش عقلانی، احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد و سطح آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه، تأثیر آماری معناداری بر متغیر وابسته مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی داشته‌اند. در مجموع با توجه به نتایج و یافته‌های پژوهش، آموزش همگانی در تمامی سطوح جامعه اسلامشهر و در تمامی مراحل مدیریت بحران شامل آمادگی، کاهش خطر، مقابله و بازسازی و نیز ایجاد گروههای سازمان‌یافته و متشکل در قالب سازمانهای غیردولتی، گروههای کوچک محلی، بسیج و سازمانهای خیریه و تشکیل و ایجاد گروههایی با عنوان مدیریت بحران محله؛ می‌تواند موجب بارور نمودن انگیزه‌ها و توانایی‌ها مردم و افزایش همدلی اجتماعی و در نتیجه افزایش مشارکت مردم در کاهش ریسک سوانح طبیعی گردد.

واژگان کلیدی: مشارکت مردمی، سوانح طبیعی، همدلی اجتماعی، کنش عقلانی.

* کارشناس ارشد مدیریت سوانح طبیعی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

** کارشناس ارشد توسعه روستایی و کارشناس معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور.

- این مقاله برگرفته از تحقیقی با عنوان "بررسی راهکار جلب مشارکت مردم در کاهش خطر سوانح طبیعی (مطالعه موردی شهرستان اسلامشهر)" می‌باشد؛ که توسط نگارندگان مقاله و با حمایت مادی و معنوی باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به ثمر رسیده است.

مقدمه

بنابر گزارش‌های سازمان‌های ملی و بین‌المللی، ایران به دلیل شرایط خاص طبیعی و جغرافیایی، در شمار چند کشور اول بلاخیز جهان قرار دارد؛ از این‌رو و با توجه به زلزله‌هایی که در کشور ما رخ می‌دهد، مباحث مربوط به مدیریت سوانح طبیعی، مورد توجه و اهمیت بوده و ضرورت توجه به مشارکت مردم در اولویت، قرار گرفته است (ظفری، ۱۳۸۶: ۳۵). در این میان، به‌منظور تحقق برنامه‌های کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، استفاده از مشارکت مردم در مراحل مختلف مدیریت سانحه، امری ضروری به‌نظر می‌رسد. بنابراین، شناخت چند و چون این موضوع که مردم چگونه در مراحل مدیریت یک سانحه طبیعی، همکاری و تعامل داشته‌اند؛ از اهمیت فوق‌العاده‌ای در روند برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آتی و آتی برخوردار است (ویسی، ۱۳۸۵: ۲۵).

واژه‌های «مشارکت» و «مشارکتی» به مفهوم امروزی، برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ در ادبیات توسعه ظاهر شده است. علت رواج این واژه، شکست طرحهای توسعه و نسبت دادن این شکست به عدم حضور و مشارکت مردم در فرایند طراحی و اجرای این طرحها می‌باشد. از این‌رو، توسعه بر مبنای مشارکت مردمی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به‌عنوان یک مفهوم کلیدی و به‌صورت گسترده‌ای در ادبیات توسعه مطرح شد. از مفهوم مشارکت، تعاریف متعدد صورت گرفته است. مشارکت در معنای عام عبارت است از فعالیت‌های ارادی داوطلبانه اعضای یک جامعه در امور محله و منطقه خود. به بیان کاملتر مشارکت، حضور و دخالت آگاهانه، داوطلبانه، خلاق و متعهدانه افراد و اقشار مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های انجمن‌ها و تشکلهای حرفه‌ای و محلی و یا منطقه خود از یک سو، حضور و همکاری در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه کلی از سوی دیگر است (اوکلی، ۱۳۸۰: ۲۵).

بانک جهانی نیز، مشارکت را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرایندی که از طریق آن، بهره‌برداران بر اقدامات توسعه و تصمیمات و منابعی که آن‌ها را متأثر می‌سازد، تأثیر گذاشته و در کنترل آن‌ها سهیم شوند» (زاهدی‌اصل، ۱۳۷۹: ۱۸).

رابرت چمبرز در باب مفهوم مشارکت می‌نویسد که از این واژه در سه جهت استفاده می‌شود:

۱. استفاده تزئینی: تا هر نوع پیشنهادی را خوب جلوه دهند.

۲. استفاده ابزاری: به این معنا که از طریق بسیج نیروی کار محلی، هزینه‌ها را کاهش دهند.

۳. استفاده واقعی: زمانی است که به مردم اختیار داده می‌شود تا با فعالیت خود کنترل امور را به‌دست گیرند و با اعتماد به نفس بیشتر تصمیمات خود را اتخاذ کنند (ازکیا، ۱۳۸۰: ۳۵).

بنابراین، وجود نگرش‌های معطوف به مشارکت مردم (در سطوح مختلف) و در مراحل آمادگی و پیشگیری و نیز پاسخ به سوانح احتمالی، ضروری است. بسته به نوع حادثه، مکان، دامنه و وسعت و به‌طور کلی شرایط رخداد آن، نیاز به مشارکت افراد، نیروها و منابع بومی متغیر است. در چنین شرایطی، کاراترین عامل مؤثر و نتیجه‌بخش، تجهیز و بسیج منابع انسانی و محلی است. به بیان دیگر، بهترین راه، استفاده مناسب از نیروها و ساکنین بومی برای مدیریت بهتر و سریعتر فاجعه یا سوانح است (زاهدی‌اصل، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۱). در همین راستا، در تحقیق حاضر تلاش می‌شود علاوه بر واکاوی عوامل اصلی مؤثر بر مشارکت مردم، زمینه‌ها، شرایط و راهکارهای حضور و مشارکت داوطلبانه و عمومی مردم در فعالیت‌های کاهش خطر حوادث طبیعی (با تأکید بر

زلزله) در شهر اسلامشهر مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند.

ضمن آنکه ضریب آلفای کرونباخ مربوط به مقیاسهای مختلف پرسشنامه نیز، عبارت است از:

مقدار	انحراف	میانگین	نام شاخص
آلفا	معیار (SD)	(M)	
۰/۹۳	۳/۰۸	۹/۱۴	خرده فرهنگ عجز و ناتوانی
۰/۹۷	۴/۰۷	۱۰/۰۳	کنش عقلانی (ارزیابی هزینه و منفعت)
۰/۹۰	۳/۰۴	۸/۷۷	مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی
۰/۹۲	۳/۲۵	۹/۱۹	همدلی اجتماعی

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به روش، پیمایشی و از نوع تحقیقات همبستگی است. زیرا به دنبال بررسی رابطه بین یک سری از متغیرهای مؤثر بر جلب مشارکت مردم به منظور کاهش خطر سوانح طبیعی بوده است. جامعه مورد بررسی، در شهر اسلامشهر، افراد (مرد و زن) در گروه سنی ۶۴-۲۰ سال (۶۴۵۰۰۰ نفر) می باشند. بر اساس فرمول کوکران، تعداد نمونه در میان مردم شهر اسلامشهر به منظور تکمیل پرسشنامه، ۴۰۰ نفر تعیین شده است. با استفاده از روش نمونه گیری طبقه، (نمونه گیری بر حسب مناطق شهرداری و بلوک های موجود در هر منطقه)، نمونه ای از خانوارهای ساکن در مناطق چندگانه شهر اسلامشهر، به گونه تصادفی ساده؛ انتخاب و پرسشنامه مورد نظر تکمیل شده است.

به منظور تعیین روایی پرسشنامه، از روش اعتبار صوری و مشاوره صاحب نظران و محققان در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی مدیریت بحران و سوانح طبیعی که در این زمینه آگاهی داشتند، استفاده شده و در ادامه پس از تأیید پرسشنامه توسط متخصصین مورد نظر، پرسشنامه ها در میان نمونه آماری تحقیق، تکمیل شده اند. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ در قالب نرم افزار SPSS استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا پرسشنامه های پژوهش بر روی یک گروه ۲۵ نفری انجام گردیده و سپس از طریق آلفای کرونباخ، ضریب همسانی درونی گویه های مربوط به مقیاس های مختلف پرسشنامه محاسبه گردیده است. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۵ به دست آمده است.

"ت ۱" مقدار آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص های پرسشنامه.

در مطالعه حاضر، داده های پرسشنامه پس از تکمیل توسط پاسخگویان توسط نرم افزارهای مربوطه، مورد توصیف قرار گرفته اند. بنابراین اطلاعات تحقیق به صورت آمار توصیفی (مشمول بر توزیع فراوانی، درصد نسبی، تجمعی و میانگین) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس در بخش آمار استنباطی نیز از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون رگرسیون چند متغیره و آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است.

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

در این مطالعه از تأثیر چهار مفهوم و شاخص اساسی بر متغیر وابسته (مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی) سخن به میان آمده است. این چهار مفهوم به ترتیب عبارتند از:

۱. خرده فرهنگ عجز و ناتوانی
۲. مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی

۳. کنش عقلانی (ارزیابی هزینه و منفعت)

۴. همدلی اجتماعی

برای ارزیابی و سنجش هر یک از مفاهیم و صفات مذکور به تعبیه جملات مؤید آنها یا مقیاس‌هایی متوسل شده‌ایم که ذیلاً گویه‌ها و ابعاد هر مقیاس، مشخص شده است:

خرده‌فرهنگ عجز و ناتوانی

یکی از عوامل مؤثر بر سطح مشارکت مردمی در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی باورها، نگرش‌ها و تصورات آنها نسبت به خود، جهان و حوادث است. ساده کلام این است که عمده افراد جامعه به دلایل مختلف، مانند حاکمیت قوی تصورات مذهبی بر آنها، سواد پایین و ... خود را در برابر رویدادهای عالم و به ویژه حوادث و بلایا، ناتوان و بی‌قدرت می‌بینند و این تصور بی‌قدرتی که ناشی از نگرش تقدیرگرایانه و جبرگرایانه حاکم بر آنهاست، سبب می‌شود تلاش خود را برای شناخت و مقابله با آنها محکوم به شکست بدانند. این تصور یکی از عوامل عدم آمادگی افراد در برابر حوادث و نهایتاً مشارکت اندک آنها در این زمینه است.

برای سنجش خرده‌فرهنگ عجز و ناتوانی، سه مقیاس احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در سطح فرد، نسبت به جهان، نسبت به حوادث و سوانح طراحی شده است.

بی‌قدرتی و ناتوانی (در سطح فردی): منظور این

است که فرد خود را در مقایسه با دیگر افراد و پدیده‌های اجتماعی، ناتوان و ضعیف تصور می‌کند و برای تلاش و فعالیت خود، ارزش و تأثیری در زندگی اجتماعی قائل نیست لذا یاس و ناامیدی بر او مستولی است. گویه‌های مؤید این مفهوم در تحقیق به قرار زیرند:

• کمک من و امثال من نمی‌تواند نفعی به حال دیگران داشته باشد.

• گاهی احساس می‌کنم زندگی‌ام در اختیار خودم نیست و تلاشم فایده‌ای ندارد.

• به نظر من، زندگی آدم‌ها را شانس و اقبال تعیین می‌کند.

• من برای آینده‌ام، برنامه‌ریزی و حساب و کتاب دقیق دارم.

بی‌قدرتی در برابر جهان و وقایع عالم: منظور این است که فرد، جهان را کاملاً فراتر از درک، کنترل، محاسبه و پیش‌بینی می‌بیند و لذا خود را کاملاً مقهور و تابع فعالیت‌های آن تصور می‌کند؛ گویه‌ها و جملات مؤید این مفهوم، به قرار زیرند:

• به نظر من، دنیا آن قدر پیچیده است که اصلاً قابل فهم نیست.

• اگر انسان برنامه‌ریزی داشته باشد، باز هم نمی‌تواند جلوی خیلی از خسارت‌ها را بگیرد.

• آینده آنقدر نامطمئن و نامعلوم است که کسی نمی‌تواند پیشاپیش برای آن برنامه‌ریزی کند.

بی‌قدرتی در برابر حوادث: منظور این است که افراد حوادث را کاملاً یک بلا و مصیبت تصور می‌کنند نه یک پدیده. از طرف دیگر آن را خواست خداوند می‌دانند. به عبارت دیگر افراد، حوادث را پاسخ و نتیجه اعمال بد و نادرست خود می‌دانند که خداوند عامل این کار بوده است. گویه‌های مؤید این مقیاس به شرح زیرند:

• مقدمه‌چینی و آمادگی برای مقابله با حوادث و بلایای خدادادی، هیچ نتیجه و سودی ندارد.

• زلزله و سیل (بلا) در هر صورت اتفاق می‌افتد، نمی‌توان جلوی خسارت‌های آن را گرفت.

• تقدیر و شانس انسان هر چه باشد، همان می‌شود؛ نمی‌شود جلوی تقدیر را گرفت.

• هر بلایی که برای بشر اتفاق می‌افتد، تاوان گناه خودش است.

• همکاری و مشارکت ما با سازمان‌های دولتی متولی حوادث و بلایای طبیعی و غیرطبیعی، باعث می‌شود مسائل و مشکلات شهرمان حل شود.

مقیاس همدلی اجتماعی

منظور از همدلی در معنای جامعه‌شناختی آن؛ توانایی تصور خود در نقش دیگران است. در معنای ساده، همدلی به معنای درک و فهم شرایط دیگران است. در اینجا منظور ما از همدلی اجتماعی، همان آمادگی برای درک مشکل دیگران و مشارکت‌جویی در فعالیت‌ها است. گویه‌های منفی مؤید مفهوم فوق به قرار زیر هستند:

- هر کس باید گلیم خودش را از آب بیرون بکشد و به همسایه کاری نداشته باشد.
 - هر فردی مسئول زندگی و کار و بار خودش است، نه مسئول کار و مشکلات دیگران.
 - اینکه مردم در مکان‌هایی جمع بشوند و راجع به مشکلات گفتگو کنند، دردی را دوا نمی‌کند.
 - کار جمعی و گروهی کمتر به نتیجه می‌رسد و به گرفتاری‌های آن نمی‌ارزد.
 - در این دوره زمانه هر کس باید به خودش تنهایی برسد و به دیگران کاری نداشته باشد.
- پایگاه اجتماعی - اقتصادی نیز به‌عنوان نوعی شاخص مرکب حاصل ترکیبی از برخورداریه‌های فرد می‌باشد که حاکی از میزان دسترسی فرد به منابع قدرت است و به لحاظ عملیاتی برای سنجش و تعیین موقعیت اجتماعی، اقتصادی فرد از شاخص‌ها و معرف‌های زیر استفاده می‌شود:

- میزان درآمد
- وضعیت شغل
- سطح تحصیلات
- نوع مسکن و ارزش آن

مشارکت در کاهش ریسک (خطرپذیری) سوانح طبیعی

برای ارزیابی سطح اعتقاد و باور مردم به مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی، گویه‌های زیر تعبیه شده‌اند:

- همه افراد جامعه وظیفه دارند به‌منظور کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی در جامعه کمک کنند.
- من، همکاری و کمک به‌منظور کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی را وظیفه خود می‌دانم.
- در حوادث و اتفاقات بزرگ، اگر مردم کمک نکنند نهادهای دولتی به تنهایی نمی‌توانند از عهده کار برآیند.
- برنامه‌ریزی برای کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، وظیفه مسئولین است نه من.
- برنامه‌ریزی برای کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، وظیفه عمومی است نه وظیفه یک نهاد و ستاد خاص.
- هر کس به توصیه نهادهای دولتی مسئول برنامه‌ریزی برای کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی توجه کند، انسان وظیفه‌شناس و بامسئولیتی است.

مقیاس کنش عقلانی (ارزیابی هزینه و منفعت)

در ارزیابی عقلانیت حاکم بر رفتار افراد، از آنان راجع به تصورشان از پیامدهای کنش‌های خود سؤال شده است:

- هرکس به توصیه‌های نهادهای دولتی مسئول حوادث توجه کند، ضرر نمی‌کند.
- توجه و عمل به توصیه‌های نهادهای دولتی مسئول در امور حوادث، نیاز به حوصله و وقت کافی دارد و من این حوصله و وقت را ندارم.
- هر کس بخواهد دقیقاً به توصیه‌های نهادهای دولتی مسئول در امر حوادث عمل کند، دچار دردسر و گرفتاری‌های مختلف می‌شود.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین سطح آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه و مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان همدلی اجتماعی فرد و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی رابطه وجود دارد.
۳. بین کنش عقلانی فرد (ارزیابی هزینه و فایده) و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی رابطه وجود دارد.
۴. بین احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد و مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی رابطه وجود دارد.
۵. بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی رابطه وجود دارد.

مبانی و چارچوب نظری

از اواخر دهه ۱۹۵۰، مفهوم «مشارکت» و «توسعه مشارکتی» به‌دنبال ایجاد مشکلات اساسی در طرح‌های توسعه، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را به ارزیابی مجدد و بازنگری این قبیل برنامه‌ها واداشت. شکست این برنامه در دستیابی به اهداف خود، این تصور را تقویت کرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها، زمینه ناکامی آن‌ها را فراهم کرده است. در واکنش به نارسایی در برنامه‌های توسعه، مفهوم «مشارکت» به‌صورت جدید مورد توجه قرار گرفت و فرایندهای تقویت‌کننده مشارکت مردم، به‌عنوان زمینه‌های اصلی توسعه مطرح شد. کاهش هزینه‌ها، پذیرش برنامه‌ها از سوی مردم، به‌کارگیری منابع بیشتر جهت برنامه‌ها و کنترل اجتماعی - سیاسی حاصل از مشارکت، به‌عنوان مزایای اصلی آن برشمرده می‌شد و پیامد این قبیل منافع، تلاش می‌شد تا ذهنیت تصمیم‌گیرندگان و مقامات دولتی و اداری را نسبت به این پدیده جلب کنند. تدابیر متنوعی به‌منظور جلب مشارکت مردم در سطوح مختلف طراحی

کردند. اما آنچه بعد از مدتی برای سیاستگذاران و کارگزاران برنامه‌های توسعه مطرح شد، پائین بودن میزان مشارکت در این قبیل طرح‌ها بود (اوکلی، ۱۳۸۰: ۵۴).

به همین دلیل، این پرسش مطرح شد که «چرا مردم یا گروه‌های هدف، تمایلی به مشارکت در طرح‌های مربوط به خود ندارند؟ به تعبیر دقیق‌تر، چه عواملی بر میزان مشارکت مردم، مؤثر است و چگونه می‌توان از طریق تغییر متغیرهای مربوطه، سطح مشارکت را افزایش داد؟

پاسخ به این پرسش را در سه رویکرد می‌توان جستجو کنیم:

الف) رویکرد روانشناختی: در این رویکرد بر عواملی نظیر انگیزه‌ها، سائقه‌ها (فرست، مک‌کله‌لند)، نظریه شخصیت هیگن، بیگانگی، بی‌قدرتی اجتماعی و فرهنگ (راجرز) و به‌طور کلی نیروهای درونی افراد تأکید می‌شود. صاحب‌نظران این رویکرد در بررسی عوامل مشارکت، عوامل انگیزشی و مشوق‌های درونی و زمینه‌های روانی و تربیتی را عامل خلاقیت و مشارکت افراد می‌دانند. اعتماد به نفس، استعدادها، انگیزه‌های پیشرفت و خلاقیت، نوع نگاه به دنیا و محیط پیرامون و شخصیت، مهم‌ترین متغیرهای این رویکرد هستند (Finkel, 1999:36).

ب) رویکرد رفتاری (روانشناسی اجتماعی): این رویکرد نیز عوامل مشارکت را عمدتاً در فرد و رابطه‌های اجتماعی کوچک آن می‌جویند. این رویکرد بین نیت‌های فرد (درون) و محیط (شرایط) رابطه‌ای معقول برقرار می‌کند. از این رو معتقد به عاقلانه و مدلل بودن کنش فرد هستند. عوامل و عناصر مورد نظر در اینجا عبارتند از:

۱. قصدها و نیت‌های فرد، ۲. تفسیر فرد از شرایط، ۳. سابقه عمل در گذشته و ۴. هزینه‌ها و منفعت‌های حاکم بر انجام کنش (تنبیه - پاداش). بنابراین برای تبدیل یک

را تهدید خواهد کرد. مشارکت مردم در مدیریت شهری و تصمیم‌گیری، مستلزم وجود مدیریت «مشارکت‌جو» است. در واقع، مشارکت هنگامی معنا دارد که فرد امکان انتخاب و آزادی اختیار داشته باشد.

غلامرضا غفاری در پژوهشی با ارجاع به نظریات مختلف درباب مشارکت، عمده عوامل تأثیرگذار بر مشارکت را در آثار محققان استخراج کرده است (غفاری، ۱۳۸۱: ۱۲۰). هرچند که باید نوع تأثیر این عوامل بر مشارکت را با تأمل و تحقیق بیشتری بررسی کرد؛ اما اگر بخواهیم همه عوامل و سازه‌های مذکور را در مدلی ارائه دهیم به دلیل تنوع بودن و دشواری در آزمون‌پذیری عوامل، با محدودیت روبه‌رو هستیم. در هر صورت برای به‌کارگیری و آزمون، این مفروضات و عوامل تئوریک باید در الگویی عملیاتی ارائه شوند. براین اساس، به‌طور کلی می‌توان کنش اجتماعی مشارکت مردم در سوانح طبیعی را واجد عناصر زیر دانست:

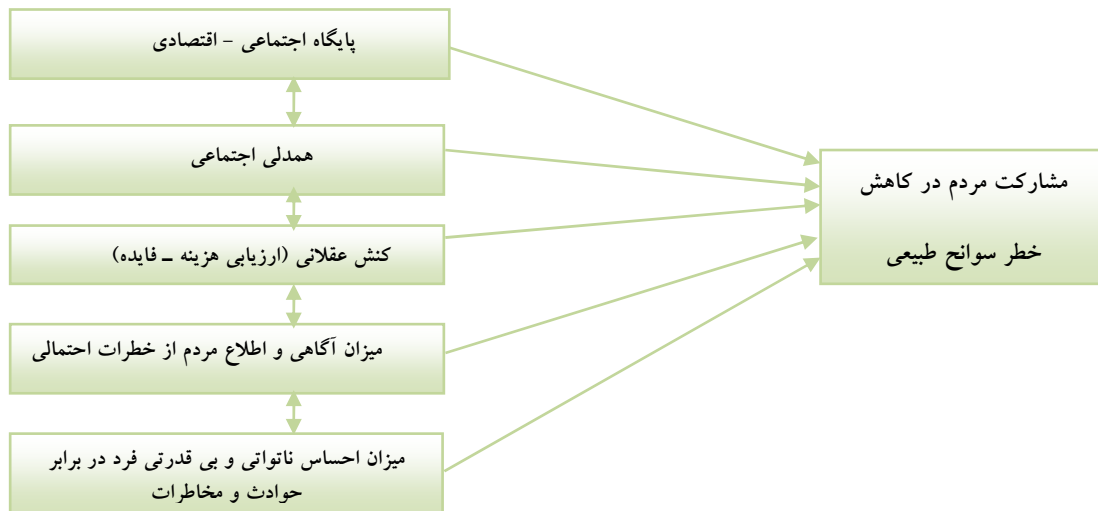
۱. سطح آگاهی و اطلاع فرد نسبت به ابعاد کنش و عمل خود؛
۲. تصور از ارزیابی و قضاوت دیگران در مورد این کنش؛
۳. انگیزه‌ها و علایق فرد برای کنش و پاسخ به انتظارات اجتماعی؛
۴. ارجاع به رفتارهای گذشته (سوابق انجام کنش)؛
۵. ارزیابی نتایج کنش (هزینه‌ها- پاداش‌های آن)؛
۶. محیط و امکان‌پذیری کنش (ابزار، وسایل، وضعیت نهادی، قانونی)؛
۷. توانایی‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد شخص. در مدل ارائه شده قبل از هر چیز، سطح آگاهی و دانش فرد نسبت به مشارکت در سوانح طبیعی، واجد اهمیت است. این دانش، فرد را به معنای عملش واقف می‌سازد.

نیت مشارکتی به عمل مشارکتی محاسبه و عقلانیت فرد نیز مورد توجه است (Greenberg, 2001:66).

ج) رویکرد نهادین (جامعه‌شناختی): این رویکرد، عمدتاً به سطح روابط اجتماعی کلان و ساخت‌ها توجه می‌کند و عوامل مشارکت را در فراگردهای اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، افزایش میزان سود، طبقه اجتماعی و ... دنبال می‌کنند (2000:77, Jennings).

واقعیت این است که در فرایند مشارکت، این سه دسته عوامل، همدوش و همگام با یکدیگر حرکت می‌کنند. جریان مشارکت مردمی حاصل تعامل مثبت و همپای این سه دسته عناصر است. بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده، عمده‌ترین پیش‌نیازهای مشارکت مردم در سوانح طبیعی عبارتند از (Harrison & 2001:35, etal):

- پیش از آنکه اقدامی در جهت جذب مشارکت مردم ضرورت پیدا کند، پتانسیل مشارکت به‌طور بالقوه فراهم است. لذا زمینه‌های افزایش مشارکت، قبل از اقدام وجود دارد و تنها نیازمند راهکارهایی برای بارور ساختن آن می‌باشد.
- فواید احتمالی مشارکت باید بر هزینه‌های آن، فزونی داشته باشد.
- نحوه و چگونگی مشارکت مردم باید مشخص و مورد علاقه افراد باشد. در غیر این صورت، آنان به مشارکت همچون کار جبری نگاه خواهند کرد و یا از سر اضطرار به آن اقدام می‌کنند. به هر حال پایداری مشارکت با علاقه فرد پیوند دارد.
- مهارتها و توانایی‌های لازم در زمینه چگونگی مشارکت مردم، بایستی به آن‌ها آموزش داده شود تا بتوانند در مشارکت، کارساز باشند.
- هیچ‌یک از دو سوی مشارکت (مردم و مسئولین) نباید احساس کنند که مشارکت، جایگاه و موقعیت آنان



"ت ۲" مدل مفهومی پژوهش.

است که انسان، هویت متمایز خود را آشکار می‌کند. در واقع از این دید، مشارکت نه ابزار؛ بلکه هدف است.

به هر حال هر فردی بسته به دیدگاه خویش و تجربیات عملی که در زندگی دارد تصور خاصی از پیامدهای مشارکت، خواهد داشت. بنابراین علاوه بر پرسش‌های قبل، اقدام به مشارکت، حاصل پاسخ به این پرسش نیز هست که در اثر مشارکت مردمی، چه چیز حاصل می‌شود؟

تنها گرایشها و نگرشهای فردی نیست که زمینه مساعد درونی برای مشارکت را پدید می‌آورد، بلکه هنجارهای اجتماعی نیز در این زمینه نقش مؤثری ایفا می‌نمایند. در زمینه هنجارهای اجتماعی نیز آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تصویری است که فرد از این هنجارها دارد. این تصور را به علاوه داوری که شخص در مورد آن‌ها دارد ذیل دو عنوان دیگر باید مورد مطالعه قرار داد. از این رو می‌توان دو سازه مهم دیگر در این زمینه را عبارت از تصور فرد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت و میزان علاقه فرد به برآوردن توقعات دیگران دانست. در سازه نخست، قضاوت دیگران (البته از نظر

با این دانش، فرد عمل خود را به‌عنوان نوعی دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی می‌پذیرد. بنابراین اولین شرط گرایش به مشارکت، اطلاع فرد از این واقعیت است که مشارکت در سوانح طبیعی چیست؟ و در چه زمینه‌هایی می‌تواند صورت گیرد؟

دومین عنصر مشارکت مردمی در سوانح طبیعی، تصور فرد از پیامدهای مشارکت است. فردی که می‌داند معنا و عمل مشارکت چیست، بایستی در این زمینه نیز اندیشه کند که در اثر اقدام به مشارکت، چه چیز حاصل می‌گردد؟ برخی پیامد اصلی مشارکت را امکان دفاع از منافع فردی و خانوادگی در فرایند تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌دانند و در واقع به آن به‌عنوان ابزاری مناسب برای دفاع از خویش می‌نگرند. از نظر برخی دیگر، مشارکت تنها وسیله تأمین منافع مادی و دفاع از حقوق فرد نیست؛ بلکه محملی است که از طریق آن می‌توان استعدادها بالقوه خویش را به فعلیت درآورده و محقق ساخت. از نظر این گروه آنچه انسان‌ها را از حیوانات، متمایز می‌سازد کنش و سخن گفتن در جمع است و با کنش در کنار دیگران و سخن گفتن در حضور دیگران

اعتماد به نفس و اعتماد به نهادها و فرایندهای جاری در جامعه برخوردار باشیم.

عامل دیگری که به عنوان منبع بسیاری از نگرش‌ها و رفتارهای فرد در جامعه عمل می‌کند، نوع باورها و اعتقادات فرد نسبت به موضوع مشارکت است. نظریه‌های مختلف مشارکت بر این نکته تصریح و تأکید دارند. معمولاً در آن دسته فعالیت‌ها که باورها و اعتقادات فرد به صراحت، حضور افراد و مداخله در آن‌ها را ضروری پنداشته است، مشارکتی تر و عمومی تر انجام می‌گیرند.

نتایج و یافته‌ها

در این بخش به آزمون فرضیات مطرح شده در قالب ۵ فرضیه اصلی تحقیق حاضر پرداخته شده است. با اذعان به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۹) درخصوص رابطه بین سطح آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد می‌توان گفت که رابطه آماری معناداری بین دو متغیر سطح آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی وجود دارد. در عین حال، ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۱) درخصوص رابطه بین میزان همدلی اجتماعی فرد و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد می‌توان گفت که رابطه آماری معناداری بین دو متغیر میزان همدلی اجتماعی فرد و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی وجود دارد.

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۲) درخصوص رابطه بین کنش عقلانی فرد (ارزیابی هزینه و فایده) و

فرد) مطرح است و در سازه دوم، میزان تبعیت فرد از این قضاوت‌ها.

عامل مؤثر دیگری که می‌تواند نقش تسهیل‌کننده و یا مانع را در ایجاد انگیزه برای مشارکت در سوانح طبیعی بازی نماید، تجربه فرد در زمینه مشارکت است. مشاهدات تأیید می‌کنند که افراد دارای سابقه و تجربه فعالیت مشارکتی معمولاً برای تکرار آن اقدام از وضعیت مساعدتری برخوردار می‌باشند. البته اگر مشارکت افراد با پاداش اجتماعی مورد استقبال قرار نگرفته و یا حتی با تنبیه مواجه شده باشد، همین زمینه مساعد می‌تواند به ضد خویش تبدیل گردد.

امکان مشارکت مردمی در سوانح طبیعی، دو جنبه متفاوت را دربر می‌گیرد. از یک سو امکان مشارکت به نظام قانونی و نهادی جامعه باز می‌گردد. قوانین یک جامعه از یک سو چارچوبهای قابل قبول و رسمیت یافته کنشهای اجتماعی را مشخص می‌سازند و از سوی دیگر، حقوق متقابل افراد و وظایف مرتبط با این حقوق را تعیین می‌نمایند. نهادها (نهادهای رسمی و غیررسمی) پاسخهای نسبتاً پایداری هستند که از طرف مردم یک جامعه به مسائل و مشکلات نسبتاً پایدار (پرسشهای پایدار) داده شده است.

نهادها که جنبه‌های باثبات‌تر زندگی جمعی را تشکیل می‌دهند، نشان می‌دهند که آیا جامعه امر خاصی را به عنوان ضرورت و نیاز زندگی جمعی به رسمیت شناخته است یا خیر؟ وجود نهادهایی در زمینه مشارکت نیز حاکی از چنین دلالتی است. همانطور که وجود نهادهای خانواده و دادگاه حاکی از به رسمیت شناختن ضرورت تولید مثل و دادخواهی در یک جامعه هستند. علاوه بر وضعیت قانونی و نهادی، امکانات دیگری نیز برای مشارکت ضروری است. به عنوان مثال برای مشارکت در تصمیم‌گیری لازم است از حداقل دانش،

مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد، رابطه آماری معناداری بین دو متغیر کنش عقلانی فرد (ارزیابی هزینه و فایده) و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی نشان می‌دهد. ضمن آنکه درخصوص نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۹) رابطه بین احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد می‌توان گفت که رابطه آماری معناداری بین دو متغیر احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی وجود دارد.

از دیگر نتایج اینکه، ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۹) درخصوص رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد رابطه آماری معناداری را بین دو متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی نشان می‌دهد. همچنین در این مطالعه، جهت پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی توسط متغیرهای مستقل مورد نظر، از روش تحلیل

رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. بر اساس نتایج این تحلیل رگرسیون، متغیرهای میزان همدلی اجتماعی فرد (با ضریب تأثیر ۰/۳۵)، پایگاه اجتماعی-اقتصادی (با ضریب تأثیر ۰/۲۰)، کنش عقلانی (با ضریب تأثیر ۰/۱۶)، احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر جهان (با ضریب تأثیر ۰/۱۲-) و سطح آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه (با ضریب تأثیر ۰/۱۱)، به ترتیب بیشترین ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده را بر متغیر وابسته مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی داشته‌اند.

ضمن آنکه براساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه یا R (۰/۵۶)، همبستگی آماری قوی بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، وجود دارد. مقدار ضریب تعیین یا R^۲ نیز که برابر با ۰/۳۱ می‌باشد، نشانگر تبیین ۰/۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی، توسط مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده می‌باشد و مقدار آزمون F (۳۵/۸۵) نیز نشانگر قابلیت بالا و مناسب مدل و تبیین تغییرات متغیر وابسته مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی توسط مجموعه متغیرهای مستقل می‌باشد.

ردیف	نام متغیر	B	SEB	Beta	t	P
۱	γ = مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی	-	-	-	-	-
۲	Constant = عدد ثابت	۲۱/۵۲۷	۰/۷۶۴		۲۸/۱۸۶	۰/۰۰۰
۳	X_1 = سطح آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه	۲۰۷	۰/۰۷۱	۰/۱۱	۲/۹۲۶	۰/۰۱
۴	X_2 = پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۰/۱۱	۰/۰۲۹	۰/۲۰	۳/۷۸۸	۰/۰۱
۵	X_3 = احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر جهان	- ۰/۰۵۹	۰/۰۲۹	-۰/۱۲	-۲/۰۴۸	۰/۰۵
۶	X_4 = کنش عقلانی	۰/۱۸۸	۰/۰۴۷	۰/۱۶	۳/۹۸۸	۰/۰۱
۷	X_5 = همدلی اجتماعی	۰/۲۹۲	۰/۰۲۲	۰/۳۵	۱۳/۰۰۳	۰/۰۱
		$R^2=0.31$	$R=0.56$	$F=35.85$	$P<0.000$	

"ت ۳" نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی.

متغیر وابسته $y =$

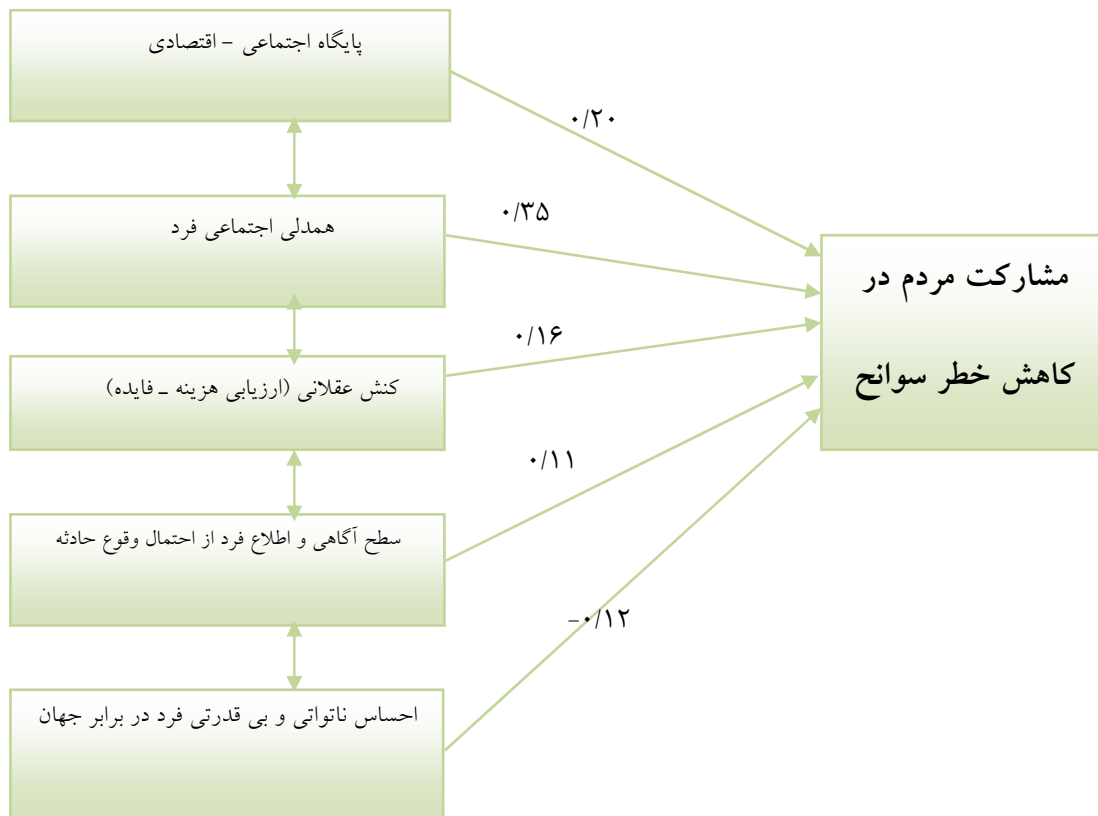
ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده $B =$

ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده $Beta =$

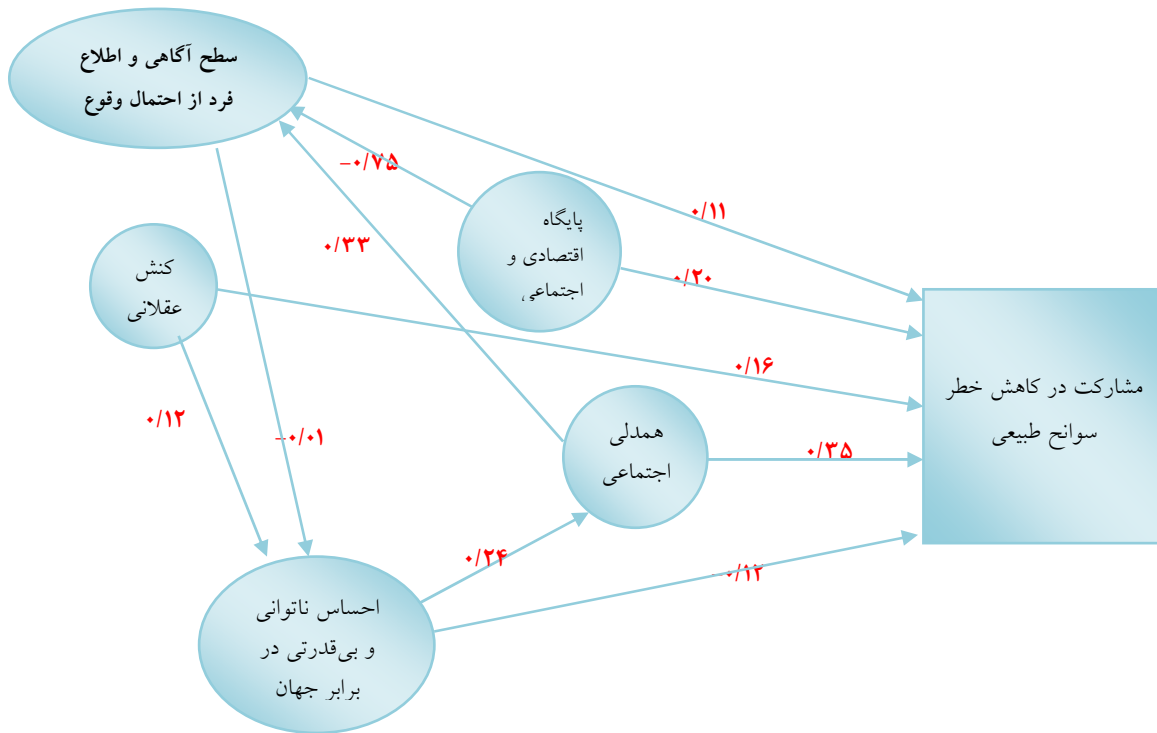
ضریب اشتباه برآورد $SEB =$

سطح معنی داری تأثیر نسبی حضور هر متغیر مستقل در مدل $p =$

تأثیر بین حضور هر متغیر مستقل در مدل $T =$



"ت ۴" مدل رگرسیونی عوامل مؤثر بر مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی.



"ت ۵" روش تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر مشارکت در کاهش ریسک سوانح طبیعی.

ضریب تأثیر غیرمستقیم)، تأثیر آماری معناداری بر متغیر وابسته مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی داشته‌اند.

بنابراین، مجموع متغیرهای میزان همدلی اجتماعی فرد، ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر حوادث، کنش عقلانی، ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر جهان و میزان احتمال وقوع حوادث، هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر متغیر وابسته مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی تأثیر گذاشته‌اند.

در عین حال، مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته، توانسته‌اند ۰/۶۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی را تبیین کنند و مابقی (۰/۳۱) تغییرات آن تحت تأثیر مجموعه متغیرها و

در مقاله حاضر، جهت تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مشارکت مردم در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج حاصل بدین قرار بوده است که مجموعه متغیرهای میزان همدلی اجتماعی فرد (با ۰/۳۵ ضریب تأثیر مستقیم و ۰/۳۳ ضریب تأثیر غیرمستقیم)، پایگاه اجتماعی-اقتصادی (با ۰/۲۰ ضریب تأثیر مستقیم و ۰/۷۵- ضریب تأثیر غیرمستقیم)، کنش عقلانی (با ۰/۱۶ ضریب تأثیر مستقیم و ۰/۱۲ ضریب تأثیر غیرمستقیم)، احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در برابر جهان (با ۰/۱۲- ضریب تأثیر مستقیم و ۰/۲۴ ضریب تأثیر غیرمستقیم) و سطح آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه (با ۰/۱۱ ضریب تأثیر مستقیم و ۰/۰۱

فاکتورهایی می‌باشند که در مدل نیامده و در واقع در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

پیشنهادها و راهکارها

با توجه به نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به نتایج و یافته‌های به دست آمده از پژوهش و با استناد به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۹) درخصوص رابطه بین سطح آگاهی و اطلاع فرد از احتمال وقوع حادثه و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد، چنین استنباط می‌گردد که مشارکت مردم، متضمن وجود نوعی آگاهی و اطلاع از احتمال وقوع حادثه است؛ که این موضوع نیز با توجه به اهمیت مسئله کسب اطلاعات قبل از زلزله بسیار مهم می‌باشد. از همین رو می‌بایستی به موضوع آموزش، اهمیت بسیاری داده شود. وجود آموزش همگانی باعث می‌گردد که مردم به‌عنوان بازوان اجرایی مدیران بحران در جامعه بازگشت‌پذیر در مقابل سوانح به‌ویژه زلزله عمل نمایند. آموزشهای همگانی می‌تواند در تمامی سطوح جامعه و نیز در تمامی مراحل مدیریت بحران شامل آمادگی، کاهش خطر، مقابله و بازسازی مدنظر قرار گیرد. بنابراین برای مقابله با خطر سوانح به‌ویژه زلزله و کاهش خسارات ناخوشایند آن، می‌توان به گامهایی نظیر ارتقای سطح آمادگی، شناخت و ادراک صحیح مردم از حادثه سوانح به‌ویژه زلزله، آموزش راهکارها و روشهای ایمنی در مقابل خطر سوانح به‌ویژه زلزله به افراد جامعه، اشاره کرد. به دلیل اینکه آموزش یکی از مهم‌ترین راههای جلب مشارکت مردم در برنامه‌های کاهش خطر سوانح به‌شمار می‌رود و نیز از آنجا که جریان ارتباط انسانی، روندی متنوع و متغیر است؛ در راستای رسیدن به این

مهم، باید از ابزارهای مختلفی در امر آموزش سوانح به‌ویژه زلزله در شهرستان اسلامشهر استفاده گردد که نمونه‌هایی از آن به شرح ذیل می‌باشد:

- برگزاری دوره‌های آموزشی در مراکز پیش‌دبستانی و مهدکودک‌های موجود در شهر اسلامشهر؛
- برگزاری دوره‌های آموزش عمومی سوانح (به‌ویژه زلزله) مرتبط با مشاغل مختلف و واحدهای صنعتی موجود در شهر اسلامشهر و اجباری نمودن آن از طریق ادارات محلی و شهرداریهای مناطق مختلف اسلامشهر؛
- بازدید از مراکز بحران، بیمارستانها، کلینیک‌ها، پایگاه‌های پلیس و ایستگاه‌های آتش‌نشانی موجود در مناطق مختلف و ارائه مطالب آموزشی مورد نیاز جهت اقشار مختلف جامعه در شهر اسلامشهر؛
- برگزاری دوره‌های آموزشی عملیات پیشگیرانه و امداد نجات برای مردم هر منطقه در مساجد محل و یا فرهنگسراهای موجود در اسلامشهر؛
- برگزاری کارگاه آموزشی، دوره‌های آموزشی کوتاه مدت، سمینارها، سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها و ارائه مطالب مورد نیاز و مرتبط برای مردم در خانه‌های سلامت شهر اسلامشهر؛
- مشارکت دادن تمامی سازمانها در امر آموزش سوانح، به‌ویژه سازمانهای غیردولتی و بسیج محله و ارائه مطالب آموزشی در سازمانهای غیردولتی و ترغیب آنها به انتقال مطالب آموزشی به سایر گروه‌های مرتبط با آنان در سطح شهر اسلامشهر؛
- آموزش گروه‌های مختلف محلی همچون پزشک محله، مدیریت بحران محله جهت مشارکت گروه‌های محلی در کاهش خسارات سوانح به‌ویژه زلزله و ایجاد جامعه‌ای برگشت‌پذیر در مقابل سوانح به‌ویژه زلزله؛
- آموزش از طریق مطبوعات و نشریات محلی، پلاکاردها، پوستره‌های آموزشی و تابلوهای تبلیغاتی

به منظور ارائه پیامهای آموزشی و تبلیغاتی در سطح شهرستان اسلامشهر.

۲- با استناد به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۱) در خصوص رابطه بین میزان همدلی اجتماعی فرد و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد، می‌توان اذعان نمود که ایجاد گروههای سازمان‌یافته و متشکل در قالب سازمانهای غیردولتی، گروههای کوچک محلی، بسیج و سازمانهای خیریه می‌تواند موجب افزایش همدلی اجتماعی و در نتیجه افزایش مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی باشد. آنچه که مسلم است حضور گروههای مردمی در روند برنامه‌های آموزشی مرتبط با سوانح به‌ویژه زلزله و حتی بالاتر از آن و استفاده از این گروهها در تمامی مراحل چهارگانه آمادگی، پیشگیری و کاهش خطر، واکنش به موقع و بازسازی؛ می‌تواند نقش به‌سزایی در کاهش خطرات سوانح به‌ویژه زلزله داشته باشد. همچنین می‌تواند با مشارکت در اجرای برنامه‌ها اعم از تأمین بخشی از منابع مالی، اجرای برنامه‌های کاهش خطرپذیری سوانح به‌ویژه زلزله مانند آموزش تخصصی و عمومی، امداد و نجات، اجرای مانورهای سوانح به‌ویژه زلزله، تحقیقات و پژوهش وارد عمل شوند. برنامه‌های کاهش خطرپذیری سوانح به‌ویژه زلزله، نیاز به مثلث پایدار دولت، مردم و گروههای سازمان‌یافته غیردولتی دارد که در صورت حذف و یا نادیده گرفتن هر یک از این ارکان، برنامه‌های اجرایی به موفقیت مورد نظر نخواهد رسید.

۳- با توجه به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۹) در خصوص رابطه بین احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فردی و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱

درصد می‌توان گفت که تشکیل و ایجاد گروههایی با عنوان مدیریت بحران محله به‌منظور بالفعل و بارور نمودن انگیزه‌ها و توانایی‌ها مردم به‌منظور ابزار رفع خصیصه بی‌قدرتی فردی ضروری است. در همین راستا اخیراً گروههایی با عنوان گروه مدیریت بحران محله با نام "دوام" (داوطلبین واکنش اضطراری محله)، برای انجام فعالیت‌های امداد و نجات در شهر تهران تشکیل شده است. این گروهها، افراد داوطلبی هستند که آموزشهای پایه لازم در زمینه مدیریت بحران، به خصوص در موارد آمادگی و مقابله (مانند نحوه خاموش کردن آتش، جستجو و نجات مجروحان و ارایه کمکهای اولیه) به آنان داده می‌شود و در مواقع بحرانی قبل از رسیدن تیمهای امداد و نجات و یا در کنار تیمهای اصلی امداد و نجات در محلات خود به فعالیت مشغول می‌شوند. این در حالی است که شهرستان اسلامشهر، با فقدان چنین گروههایی در محله‌ها روبه‌رو می‌باشد.

۴- با توجه به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۲) در خصوص رابطه بین کنش عقلانی فرد (ارزیابی هزینه و فایده) و مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد و وجود رابطه بین مشارکت مردم در کاهش ریسک سوانح طبیعی و کنش عقلانی یا همان موضوع هزینه- فایده، چنین استنباط می‌گردد که مشارکت مردم می‌بایست متضمن وجود منفعت یا فایده برای آنان باشد. از این رو می‌بایستی خساراتی که به لحاظ مالی و جانی در اثر حادث شدن سوانح طبیعی برای مردم شهرستان اسلامشهر، ایجاد می‌گردد توضیح داده شده و نسبت به توجیه آنها در این زمینه توسط گروههای فعال اقدام گردد.

۵- با توجه به نتیجه ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۱) در خصوص رابطه بین میزان همدلی اجتماعی فرد و

ورزشکاران، هنرمندان و سایر شخصیت‌های مهم اسلامشهر.

منابع

- ازکیا، مصطفی. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران، اطلاعات، ۱۳۸۰.

- اوکلی، پیترو و مارسدن، دیوید. رهیافتهای مشارکتی در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نجات حسینی. تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهادکشاورزی، ۱۳۸۰.

- زاهدی اصل، محمد. بررسی چگونگی مشارکت خانوارهای زلزله‌زده در بازسازی مناطق آسیب‌دیده، فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.

- ظفری، حسین. بررسی مدیریت بازسازی فیزیکی با نگرشی ویژه بر مشارکت مردم (مطالعه موردی بم)، دانشگاه تهران، رساله کارشناسی ارشد، ۱۳۸۶.

- غفاری، غلامرضا، عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه، رساله دکترای دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

- ویسی، رضا و همکاران. درس‌هایی از مشارکت مردم در بازسازی واحدهای مسکونی و تجاری مناطق زلزله‌زده استان لرستان، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیرمترقبه، تهران، ۱۳۸۵.

-Finkel, S.E. *Reciprocal Effects of Participation and Political Efficacy: A Panel Analysis*. American Journal of Political Science 29(4), 1999

-Greenberg, J. & R. Folger. *Procedural Justice, Participation, and the Fair Process Effect*, 2003.

-Harrison & et al. *Preliminary Comment on Public Participation in the Context of the Water Framework Directive and Integrated River Basin Management Policy*. Manchester University Press, 2001.

-Jennings, Ray. Participatory development as new paradigm, the transition of development professionalism. Community based reintegration and

مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، با اطمینان ۰/۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد و وجود رابطه بین مشارکت مردم در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی و میزان همدلی اجتماعی، چنین استنباط می‌گردد که مشارکت مردم در امر امداد حوادث غیرمترقبه متضمن وجود نوعی همدلی اجتماعی در نهاد فرد مشارکت کننده است. لذا باید از انیمیشن‌های آموزشی در زمینه سوانح طبیعی به‌ویژه زلزله و نمایشگاه عکس سوانح، به منظور آموزش کودکان در کلیه مهد کودکها و برنامه‌های فوق برنامه مدارس ابتدایی و راهنمایی و فرهنگسراهای موجود در مناطق مختلف شهرستان اسلامشهر استفاده گردد. چرا که اثرگذاری آن، بسیار بالاتر از ساعتها آموزش مستقیم است.

۶- در عین حال، با توجه به نتایج توصیفی پژوهش، استفاده هر چه بیشتر از توان و ظرفیت مساجد و شناسایی توان آموزشی روحانیون برای آموزش‌های عمومی در زمینه سوانح طبیعی (که خلأ و فقدان انجام این کار در سطح شهر اسلامشهر ملموس است) توصیه می‌شود. همچنین این اقدام می‌تواند با افزایش آگاهی و نیز تغییر نگرش افراد در خصوص احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فردی، از طریق سخنرانی ائمه جماعات و روحانیون همراه باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد که روحانیون شهرستان اسلامشهر طی دوره‌های آموزشی بحران و سوانح، آشنایی لازم را در این خصوص کسب کرده و در مساجد به تبیین آن بپردازند.

۷- انجام فراخوان‌های عمومی به منظور دعوت به عضویت در جمعیت هلال احمر شهرستان اسلامشهر و انجام فراخوانهای اختصاصی دعوت به عضویت برای افشار خاص مانند خانواده‌های معظم شهدا، نخبگان علمی ملی و شهرستانی، جامعه پزشکی، فرهنگیان،

rehabilitation in post-conflict setting conference,
Washington, October, 2000.

-Midgley.j. et.al. Community Participation Social
Development and the State. London. 2000.

مسکن و محیط
پرورستان

شماره ۱۳۵ پاییز ۹۰

۱۲۰